

بسمه تعالی

## اسلام و گذشت زمان

شاید شما هم در میان مطالعاتتان به این جملات و عبارات جالب و فریبنده برخورد کرده باشید ، که بایک نظر فریفته شده و فوراً موضوع را تصدیق میکنید ، در صورتی که پس از دقت و بررسی معلوم میشود مطلب غیر از آن بوده که اول فکر کرده اید .

تکرار این برخوردها آدمی را حساس کرده ، و غریزه کنجکاوی را تقویت نموده ، و یک حالت تحقیقی در انسان بوجود میآورد .

یعنی خواننده دیگر بنظر ابتدائی اعتنا نکرده و در مقام تحقیق و بررسی برآمده تا روح مطلب را بدست بیاورد

یعنی خواننده دیگر از زیباییهای ظاهری و رنگ و آبهای فریبنده ، مطلب را گم نکرده ، و بدون فکر و تأمل قضاوت نمیکند .

مایکی از آن جملات ، و عبارات قشنگ و فریبنده را که شما هم حتماً دیده یا شنیده اید اینجاطرح کرده ، و چگونگی آن را مطالعه میکنیم .

این جمله خیلی هم تازه و امروزی نبوده بلکه ریشه دار و تا حدودی جنبه باستانی دارد . این جمله همان است که معمولاً طرفداران تحول (انقلاب) ، بآن تکیه کرده و مطلب را صد در صد صحیح میدانند .

تکیه بر این جمله تازگی نداشته و مخصوصاً در تاریخ اسلام نمونه‌های فراوانی دارد .

دشمنان اسلام در طول تاریخ باین جمله زیاد تکیه کرده و گاهی رنگ علمی هم باو داده ، و با قیافه های جالب و جذابتیری نشانش میدهند .

این يك جمله که گاهی در لباسهای ساده و گاهی در صورت‌های علمی دیده میشود ، این موضوعی که گاهی با قیافهای فریبنده جلوه میکند ، موضوع شرائط و مقتضیات و تأثیر آنها روی قوانین و مقررات است . میگویند قانون با اختلاف شرائط و مقتضیات زمان تغییر میکند . میگویند گذشت زمان در هر چیز اثر گذاشته ، و قوانین هم تحت تأثیر قرار میگیرند .

میگویند همانطور که عوامل دیگر و مقتضیات محل و مکان در قانون اثر میگذارند زمان هم در او تأثیر میکند .

میگویند همانطور که يك موجود زنده خود را با محیطهای مختلف تطبیق داده قوانین هم خود را با محیط تطبیق میدهند .

میگویند گذشت زمان وضع قانون را در گون ساخته و طبق زمان آب و رنگ مناسبی بخود میگیرد .

و بالاخره آنها میگویند يك قانون ثابت هرگز حق حکومت نداشته ، و هر روز قانون تازه تری طبق مقتضیات روز باید حکومت کند .

با این اساس که از نظر علمی هم تا حدودی ثابت است و تأثیر زمان و مکان تا اندازه ای قابل انکار نیست و پارافراثر گذاشته و نسبت به قوانین

آسمانی هم‌همین بحث را پیش کشیده و بالاخره درباره اسلام و مقررات اسلامی هم با همین منطق سخن میگویند ، و بهمین دلیل بخود حق داده که در آئین اسلام و قوانین قرآن تصرف کرده ، و بقول خودشان بر ننگ محیط در آورده و اسلام و قرآن را با زمان تطبیق دهند .

ما اینجا بدون نظر و با کمال بیطرفی موضوع را مطرح کرده و بیاری خدا بقدر توانائی بررسی میکنیم تا ببینیم آیا قوانین اسلامی قابل انطباق نبوده ، و راستی باید در آنها تصرف کرد ؟

آیا واقعاً اسلام با این مقرراتی که دارد با زندگی دنیای روز وفق نداده و حتماً باید در احکام و دستوراتش تجدید نظر شود ؟

آیا اصولاً اسلام يك آئین نظری و فکری است که طبق مقتضیات دیروز و پریروز دنیا بوجود آمده و علم و دانش تجربی امروز اورا نمیپذیرد ؟

آیا راستی اسلام يك آئین موقت و محلی بوده که فقط برای محیط عربستان و آنروزها آمده است ، نه برای دنیای بشریت ؟

یا آنکه اسلام با مقررات و قوانین متین و محکمی که دارد بطور کامل با دنیا وفق داده ، و در احکام و دستوراتش جای تجدید نظر وجود ندارد .

اسلام يك آئین علمی و نظری است که نه تنها با مقتضیات دیروز و پریروز وفق داده بلکه بر يك اساسی نهاده شده است که با امروز و فردا و پس فردای جهان هم وفق میدهد .

اسلام يك آئین جاوید و ابدی بوده و نه تنها موقت و محلی نیست بلکه بر تر از وقت . و محل قرار گرفته و بر زمان و مکان حکومت میکنند .

اسلام يك آئين علمى و مقدسى است كه از نظر او ديروز و امروز يافردا و پس فردا فرق نكرده و شرق و غرب يا جنوب و شمال ندارد .

اسلام يك آئين ابدى است كه براى بشریت آمده است .  
حالا ما درمیان این دو فرضیه قرار دادیم تا کداميك را بپذیریم  
و ببینیم علم و منطق ما را بكجا میبرد .

قبل از هر چیز يك سؤال پیش میآید كه آیا منظور از كلمه زمان  
در این جمله كه این اندازه تكرر میشود چیست ؟

آیا زمانى كه میگویند در قوانین تأثیر میکند و قانون باید خود  
را با او تطبیق دهد ، و حتى آئينهای آسمانى هم باید با او وفق دهند  
چه معنى دارد ؟

آیا منظور زمان فلسفى است یا زمان طبیعى ؟ یا ممكن است  
مقصودشان معنى ديگرى باشد ، و از كلمه زمان ، چیزهائى را كه در  
زمان طبیعى قرار دارد و آنها را زمانیات میگویند ، نظر داشته باشند .  
اما زمان به معنى فلسفى كه حقیقت او تا هم اکنون بطور كامل  
روشن نشده و برخی او را در آمیخته با مكان میدانند (۱) و در باره ماهیت  
او گفتگوهای دور و درازى وجود دارد ، ارتباطى به این بحثها نداشته  
و خود روشن نیست تا چه رسد به تأثیرش در قوانین .

اما زمان بمعنى طبیعى ، يعنى درازا و كشى كه معمولا از  
گردش زمین بدور خود و خورشید اندازه گیری میشود و در نقاط مختلف  
زمین وضع آن فرق میکند ، باز اثرى در قوانین و مقررات نداشته جز

(۱) انشتین در بحث زمان بكتاب نسبت انشتین مراجعه شود .

آنچه مربوط با اندازه‌های زمانی است از کلمه روز و هفته و سال و ماه بنا بر این ناچار مقصود از کلمه زمان اوضاع زمان است یعنی کارهایی که در آن زمان انجام میشود و شرائطی که در آن زمان بوجود آمده است .

مثلاً، بشر در يك روز برای روشنائی شب ، از نور ماه و ستارگان استفاده می‌کرده و روز بعد مشعل‌هایی درست کرده و کم‌کم بچراغهای روغنی و نفتی رسیده . و امروز با نیروی الکتریسته شب خود را چون روز دارد .

ناچار قوانین مربوطه به روشنائی و استفاده از آن طبق زمان تغییر میکنند و در این تغییر و تطبیق جای بحث و گفتگو نیست .

و یا مثلاً بشر دیروز و پریروز برای نگهداری خود از سرما و گرما به مغاره‌های کوه پناه برده و با از گودال‌هایی که خود می‌کنده است استفاده مینمود ، تا کم‌کم بنخانه‌های چوبی و خشت و گلی رسیده و امروز در شهرهای بزرگ در بهترین ساختمانها و مجهزترین آپارتمانها زندگی میکنند؟! ناچار قوانین مربوطه به خانه و مسکن طبق زمان تغییر کرده و خود را با اوضاع زمان تطبیق میدهند .

و بهمین نسبت دیگر وسائل زندگی او، در خوراك ، در پوشاك ، وسائل ارتباطی ؛ وسائل مسافرتی ، همه و همه این تحولات و تکاملات را داشته ، و قوانین مربوطه بآنها حتماً باید تغییر کند ، و طبق زمان و تحولات زمان عوض شود .

اما چنانچه روشن است نیاز و احتیاج به اصل لباس ، خوراك ، مسکن ، و همینطور وسائل ارتباطی و مسافرتی يك اصل ثابت بوده و در

تمام زمانها ، و مکانها ، برای همه انسانها ، این نیاز و احتیاج وجود داشته است .

بشردیروز و پریروز باین چیزها احتیاج داشته چنانچه انسان امروز و فردا هم احتیاج داشته و خواهد داشت گر چه رنگ نوع آن تغییر کرده و خودرا با زمان تطبیق داده است .

صحیح است که چرخ زمان بعقب بر نمیگردد ، یعنی بشر امروز و فردا دیگر از شهرها و آبادیها به جنگلها و مغاره های کوه ها بر نمیگردد .

بشر امروز و فردا دیگر پوست حیوانات و برگ درختان را ساده بتن نمیپوشد ، علف های بیابان و مواد غذایی را ساده نمیخورد .

بشر امروز و فردا دیگر برای مسافرت از چهارپاها استفاده نمیکند؛ برای کشت و شخم و خرمن کوبی آنها را بکار نمیبندد و خلاصه بشر متمدن و شهر نشین ؛ وحشی نشده ، صحرا نشینی ، و زندگی جنگلی را انتخاب نمیکند .

درست است که عقربك زمان بعقب بر نمیگردد . برده آزاد شده برده نمیگردد ، و آزادگان اسیر نمیشوند .

صحیح است که مردم باید خودرا با زمان تطبیق دهند و کسانیکه خودرا خورد شده ، از بین میروند .

بازرگان امروز باید از تلگراف و تلفن استفاده کند ، از وسائل حمل و نقل هوایی و دریائی استفاده کند و نه شکست خورده از بین میرود .

کشاورز امروز باید از تراکتور و کود شیمیائی گرفته تا اشعه اتمی استفاده کند و نه عقب افتاده از بین میرود .

صنعت گر - امروز باید از چرخهای سنگین موتور آلات و نیروی برق و اکسیژن استفاده کند ، ورنه با بکار بردن سندان و چکش خورده شده از بین میرود.

بشر امروز دیگر بپای شمع و مشعل و چراغهای پی سوزا عصار گذشته ، زندگی نمیکند ، تا نورافکنهای مدرن ، و لوسترهای زیبا هست استفاده از شمع و مشعل کار غلطی است .

با وجود سرویس های منظم و سریع مسافرتی ، زمینی ؛ هوایی ، دریائی ، سفر با چهارپاها کار احمقانه ای است . . . . .

با توجه باین حساب ساده و کوتاه در زندگی روزمره و مادی مردم ، میگوئیم ، آئین مقدس اسلام هم دارای دودسته قوانین است . یک دسته مقررات و قوانینی است که ثابت بوده ، اوضاع زمان در او اثری نداشته و با حساب دقیق ریاضی در تمام زمانها و مکانها یکسان بوده و هست .

پیش از پیدایش انیشتن عدد ۲ ضرب در ۲ مساوی بوده است با ۴ بعد از پیدایش او هم همینطور ، در اعصار و قرون آینده هم مطلب همین است با اینهمه تحولات و تکاملات که در علوم بوجود آمده و علم ریاضی هم بنوبه خود داشته است .

مسئله مبدء و معاد یعنی پیدایش و سر نوشت جهان از این اصول ریاضی بوده که ثابت و غیر قابل تغییر است .

اصل پرستش از این اصول ثابت است که اسلام میگوید : در تمام زمانها و با همه شرائط باید در پیشگاه آفریدگار جهان تواضع کرده و وی را بندگی نمود .

اسلام میگوید ظلم و ستمگری در تمام زمانها زشت بوده ، عدل و داد زیبا و پسندیده است ، بشر دوستی ، وضعیت پروری برای همیشه و در همه جا يك اصل مورد تقدیر بوده ، و مردم آزاری و ضعیف کشی مورد تنفر انسانهاست ،

اسلام میگوید جنگ و خونریزی از نظر همه و در همه جا و در همه وقت يك كار وحشیانه و حیوانی است ، و صلح و برادری و همزیستی مربوط بزندگی انسانهاست .

اسلام میگوید دزدی ، جنایت ، شرابخواری ، قمار بازی و امثال آن همیشه مورد تنفر بوده و از اصول ثابت است که همه و همیشه همه جا از این کارها بدشان میآمده بچشم انزجار بآنها نگاه میکردند چنانچه صداقت ، امانت ، درستکاری... از فضائلی است که برای همه و همیشه ، و در همه جا ، مورد علاقه و محبت انسانها بوده و هست .

چیزهائی که در اسلام حلال است برای همیشه حلال و چیزهائی که حرام است برای همیشه حرام ، حلال محمد حلال الی یوم القیمة . و حرام محمد (ص) حرام الی یوم القیمة

اما همین حلال تغییر کرده و در سیر زمانی برنگ روز در آمده و از او استفاده میشود . و سائل زندگی و استفاده از آنها هر چه تغییر کند و مدرن شود حلال است ، و سائل گناه و معصیت ، جنایت و نافرمانی هر چه تغییر کند و مدرن شود حرام است و استفاده از آنها جایز نیست .

اسلام دنبال پیشرفت دنیا همراه بوده و در راه تکامل قدم بقدم و دوش بدوش جلو آمده ، و خواهد آمد .



اما در همان روزهای اول میگفت شرابخواری و قمار بازی حرام است. امروز هم همین حرف را میزند، فردا هم همین حرف را خواهد داشت، تمام مردم شراب بخورند یا نه دنیا از شرابخواری حمایت کند یا نه، اسلام از يك ماده خطرناك و از كار زيانبخش هرگز طرفداری نمیکند.

اسلام در روزهای اول میگفت انحرافات جنسی و هتك ناموس مردم ممنوع و حرام است، امروز هم همین حرف را دارد، فردا هم خواهد داشت، دنیا از انحرافات جنسی حمایت کند یا نه، مردم دنیا پیروی تمایلات شیطانی مسئله ناموس جنسی را مقدس بشناسند یا نه اسلام از يك عمل حیوانی و دور از انسانیت هرگز طرفداری نمیکند اسلام در همان روزهای اول میگفت بشر باید در برابر قدرت آفریدگاری تواضع کرده بندگی کند، نماز بخواند، روزه بگیرد، حج برود، . . . . . امروز هم همین حرف را میزند؛ فردا هم مطلب همین است.

آیا پرهیز از شراب، قمار، انحرافات جنسی با شرایط مختلف زندگی نمیسازد؟!   
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 رتال جامع علوم انسانی

آیا پرهیز از جنایت، دزدی، تقلب، مردم آزادی، . . . با زندگی دنیای روز نمیسازد!!؟

آیا مردمی امین، صادق، درستکار؛ مهربان، و بشردوست در دنیای امروز نمیتوانند زندگی کنند؟!

آیا اعتراف بمبداء و معاد، آیا تواضع در برابر آفریدگار آیا بندگی و خدا پرستی باز زندگی متکامل روز نمیسازد؟!

آیا همراه تکامل دنیا پیش رفتن ، و خود را با زمان تطبیق دادن ، یعنی دست بانحرافات انسانی زدن و کارهای حیوانی انجام دادن ؟ !  
 آیا استفاده از وسائل مدرن و متکامل زندگی یعنی اخلاق و خویهای انسانی را ازدست دادن و بکارهای زشت حیوانی دست زدن؟!  
 قضاوت باشما ، شما خودتان ببینید آیا آقایان درست میگویند!  
 آیا طرفداران شهوت و شیطان درست میگویند ؟ یاد دیگران: خواننده گرامی این بحث را اینجا ختم کرده ، گفتگو را بشماره های بعدی این نشریه وزین علمی ودینی حواله میکنیم .

### آنها که مبتلی بمرض هستند

- بارعایت نکات زیر میتوانند از پیشرفت بیماری قلبی جلوگیری کنند
- ۱ - حتی الامکان ازغصه و تشویش خود را برکناردارند
  - ۲ - استراحت چه از نقطه نظروفکروچه جسمی برای بیماران قلبی مفید است لذا حتی الامکان بااستراحت به پردازند و از انجام کارهای سخت و پر مسئولیت دوری گزینند
  - ۳ - عصبانی نشوند . تند خوئی بزرگترین دشمن بیماران قلب است
  - ۴ - درروزهای سرد و بارانی از خود بخوبی نگهداری کنند مخصوصاً خود را در معرض باد شدید قرار ندهند
  - ۵ - از ورزشهای سخت اجتناب کنند
  - ۶ - درنوع غذا دقت باید کرد
  - ۷ - از خوردن گوشتهای چرب و قهوه وچای نیز باید پرهیز کرد و غذای خود را میوه و سبزی قرار دهد
  - ۸ - از مشروبات الکلی سخت باید ترسید و اگر معتاد بسیگار است باید ترک کند
- از «راز تندرستی»